



پایان نامه

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد
در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ی علوم انسانی
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

صور خیال در دیوان عنصری

استاد راهنما:

دکتر میر نعمت الله موسوی

استاد مشاور:

دکتر احمد محمدی

نگارش:

مجتبی حسن زاده تازه قشلاق

اسفند - ۸۷



دانشگاه سям نور
پوی
باستغاث

تاریخ: _____
شماره: _____
پیوست: _____

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه: صور خیال در دیوان عنصری
که توسط آقای مجتبی حسن زاده قشلاق تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۷/۱۲/۲۱
نمره: ۱۹/۵ نوزده و نیم درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- آقای دکتر میر نعمت اله موسوی	استاد راهنما	استادیار	
۲- آقای دکتر احمد محمدی	استاد مشاور	استادیار	
۳- آقای دکتر احمد گلی	استاد داور	دانشیار	
۴- آقای دکتر علیرضا معین زاده	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵- آقای دکتر سید مهدی عراقی	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

تقدیم به آنان که جز خوبی در دامنشان نپرورده است:

پدر به استواری کوه

مادر به زلالی رود

همسرم به صمیمیت باران

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

ستایش مخصوص خدایی است که هنگام خلقت آسمانها و زمین هیچ کس را به حضور نخواست و هنگام آفریدن جنندگان عالم معین و یاری نگرفت.

بر اصحاب خرد و ارباب بصیرت پوشیده نیست که ناسپاسی از خدمات استادان و کفران زحمات حاملان علم و دانش بر خلاف خرد و ناقض رأی اهل بصیرت است.

با عنایت به فحوای کلام «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» در این مقال، نهایت سپاس و قدردانی خود را نسبت به استادان بزرگوار و فاضل گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تبریز ابراز داشته، بقای عمر با برکت ایشان را از خداوند منان در نهایت عزت و سلامت خواهانم.

در این میان نهایت سپاس خود را از استادان گرامی و فرزانه ی خویش آقای دکتر میر نعمت الله موسوی ، استاد راهنما ، و آقای دکتر احمد محمدی ، استاد مشاور ، تقدیم میدارم.

اسفند ۸۷

چکیده :

پرداختن به صور خیال راه ورود به دنیای مه آلود ادبیات است و در کنار موسیقی ، عاطفه و شکل ، بی شک صور خیال از مهمترین عناصر تشکیل دهنده ی شعر است. پایان نامه ی حاضر تحقیقی است در مورد صور خیال در دیوان ابوالقاسم حسن ابن احمد عنصری بلخی که در آن سعی شده است چهار مبحث علم بیان (مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه) بر اساس تعاریف و دیدگاههای استادان علم بیان در دیوان عنصری مورد بررسی قرار گیرد. این پایان نامه شامل یک مقدمه و چهار فصل می باشد. شیوه ی کار به صورت مطالعه ی منابع و مآخذ مختلف و فیش برداری از آنها بوده که بر اساس دیوان عنصری به تصحیح محمد دبیر سیاقی تهیه شده است.

واژگان کلیدی :

صور خیال (مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه)، دیوان عنصری بلخی (تصحیح محمد دبیر سیاقی)، شاعر قرن چهارم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: مجتبی حسن زاده تازه قشلاق

شماره دانشجویی: ۸۵۸۱۰۱۴۲۹۵

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر میر نعمت الله موسوی

استاد مشاور: دکتر احمد محمدی

عنوان پایان نامه: صور خیال در دیوان عنصری

تاریخ دفاع: ۸۷/۱۲/۲۱

فهرست مطالب

مقدمه

۱	ارتباط دو سوبیه ی هنر و خیال
۴	مختصری از شرح حال عنصری
۷	سبک شعری عنصری
۱۰	تأثیرات شعرای سلف در عنصری
۱۴	مقام و نفوذ عنصری در شعرایی که بعد از وی آمدند
۲۱	پی نوشت

فصل اول : مجاز

۲۲	تعاریف
۲۳	علائق مجاز
۲۳	۱. علاقه ی آلیت
۲۳	۲. علاقه ی جنس
۲۵	۳. علاقه ی حال و محل یا ظرف و مظروف
۲۵	الف) ذکر محل و اراده حال
۲۷	ب) ذکر حال و اراده حال
۲۷	۴. علاقه ی سببیت با علت و معلول
۲۷	الف) ذکر سبب و اراده مسبب
۲۹	ب) ذکر مسبب و اراده سبب
۳۰	۵. علاقه ی صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه
۳۰	۶. علاقه ی عموم و خصوص
۳۰	الف) ذکر خاص و اراده ی عام
۳۱	ب) ذکر عام و اراده ی خاص
۳۲	۷. علاقه ی قوم و خویشی
۳۳	۸. علاقه ی کلیت و جزئیت
۳۳	الف) ذکر کل و اراده ی جزء
۳۳	ب) ذکر جزء و اراده ی کل
۳۶	۹. علاقه ی لازمیت و ملزومیت

۳۶	۱۰. علاقه ی ماکان و مایکون
۳۸	۱۱. علاقه ی مجاورت
۳۹	آمار مجازها به تفکیک علایق
۴۰	پی نوشت
	فصل دوم: تشبیه
۴۲	تعاریف
۴۳	انواع تشبیه
۴۳	۱. طرفین تشبیه به اعتبار محسوس یا معقول بودن
۴۳	الف) محسوس به محسوس
۴۶	ب) محسوس به معقول
۴۸	ج) معقول به محسوس
۵۰	د) معقول به معقول
۵۲	۲. تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه
۵۲	الف) تشبیه بلیغ
۵۲	ب) تشبیه مجمل
۵۵	ج) تشبیه مفصل
۶۰	د) تشبیه مرسل
۶۴	ه) تشبیه مؤکد
۶۷	۳. انواع تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین
۶۷	الف) تشبیه مفرد به مفرد
۷۰	ب) تشبیه مفرد به مرکب
۷۲	ج) تشبیه مرکب به مفرد
۷۲	د) تشبیه مرکب به مرکب
۷۵	۴. انواع تشبیه به اعتبار تعدد طرفین
۷۵	الف) تشبیه تسویه
۷۷	ب) تشبیه جمع
۷۹	ج) تشبیه ملفوف
۸۲	د) تشبیه مفروق
۸۵	۵. تشبیه وهمی و خیالی

۸۷	۶. اقسام دیگر تشبیه
۸۷	الف) تشبیه تفضیل
۸۹	ب) تشبیه تمثیل
۹۱	ج) تشبیه مشروط
۹۳	د) تشبیه مضمّر
۹۶	ه) تشبیه معکوس یا مقلوب
۹۹	وئگی های تشبیه در دیوان عنصری
۱۰۰	فهرست بعضی از تشبیهات در دیوان عنصری
۱۰۶	فراوانی تشبیه در دیوان عنصری
۱۰۷	پی نوشت
	فصل سوم : استعاره
۱۰۹	تعاریف
۱۰۹	ارکان و پایه های استعاره
۱۱۰	اقسام استعاره
۱۱۰	الف) استعاره مصرحه ، تصریحی (آشکار)
۱۱۰	۱. استعاره مصرحه ی مجرد
۱۱۶	۲. استعاره مصرحه ی مرشحه
۱۱۸	۳. استعاره مصرحه ی مطلقه
۱۲۲	ب) استعاره مکنیه یا بالکنایه
۱۳۱	تشخیص
۱۳۲	ج) استعاره تبعی
۱۳۲	۱. استعاره تبعی (در صفت)
۱۳۲	۲. استعاره تبعی (در فعل)
۱۳۵	استعاره مرکب و تمثیلی
۱۳۶	وئگی های استعاره در دیوان عنصری
۱۳۷	فهرست برخی از استعارات در دیوان عنصری
۱۳۸	فراوانی انواع استعاره در دیوان عنصری
۱۳۹	پی نوشت
	فصل چهارم : کنایه

۱۴۱	تعاریف
۱۴۲	انواع کنایه به لحاظ مکنی عنه
۱۴۲	۱. کنایه از موصوف (اسم
۱۴۴	۲. کنایه از صفت
۱۵۱	۳. کنایه از فعل یا مصدر
۱۶۳	تعریض
۱۶۵	انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا
۱۶۵	۱. ایما
۱۶۹	۲. تلویح
۱۷۳	۳. رمز
۱۷۳	ویژگی های کنایه در دیوان عنصری
۱۷۵	فهرست برخی از کنایات در دیوان عنصری
۱۷۸	آمار انواع کنایه در دیوان عنصری
۱۷۸	آمار ابیات از دیدگاه وضوح و خفای کنایات در دیوان عنصری
۱۷۹	پی نوشت
۱۸۰	نتیجه گیری

ضمائم

۱۸۱	نمودار فراوانی ابیات از حیث صور خیال در دیوان عنصری
۱۸۲	نمودار فراوانی تشبیه به اعتبار محسوس یا معقول بودن در دیوان عنصری
۱۸۳	نمودار فراوانی تشبیه به اعتبار مرکب یا مفرد بودن طرفین تشبیه در دیوان عنصری
۱۸۴	نمودار فراوانی تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه در دیوان عنصری
۱۸۵	نمودار فراوانی تشبیه از لحاظ تعدد طرفین تشبیه در دیوان عنصری
۱۸۶	نمودار فراوانی انواع دیگر تشبیه در دیوان عنصری
۱۸۷	نمودار فراوانی ابیات از دیدگاه مجاز به علائق مختلف در دیوان عنصری
۱۸۸	نمودار فراوانی ابیات از دیدگاه انواع استعاره در دیوان عنصری
۱۸۹	نمودار فراوانی ابیات از دیدگاه انواع کنایه در دیوان عنصری
۱۹۰	نمودار فراوانی ابیات از دیدگاه وضوح و خفای کنایه ها در دیوان عنصری
	منابع و مأخذ

مقدمه

ارتباط دوسویه هنر و خیال

هنر عبارت است از دید و شهود^۱. این عقیده بندتوکروچه در مورد هنر است. به نظر وی مکاشفه و شهود عین دُرک زیبایی است اما این زیبایی صفت ذاتی شیء نیست بلکه در نفس شخص بیننده است. هنگامی شخص چیزی را زیبا می‌پندارد که سایه‌هایی از نیروی زیبا شناختی درون وی بر آن شیء افتاده باشد. زیبایی در هر جا و در هر زمانی قابل دریافت است و هنر در واقع عبارت است از پیدا کردن این زیبایی که با کشف درونی صورت می‌گیرد. دکتر خانلری معتقد است که هنر نتیجه کوشش انسان برای ایجاد زیبایی است^۲. شاید قوه تخیل و تجربیات شخصی هنرمند را که در آفرینش اثر هنری نقش اصلی را بر عهده دارد بتوان مترادف با کلمه کوشش دکتر خانلری به کار برد.

بندتوکروچه خاصیت مشخصه هنر را خیالی بودن آن می‌داند و معتقد است هنر از راه شهود دریافت می‌گردد و نحوه بیان آن تغزلی یا غنایی است. آنچه انسان در می‌یابد و در مخیله خود ثبت می‌کند، به زبان تخیل یا شعر می‌سراید. در زیبا شناسی آثار هنری و شعر، نقش قوای مخیله و خیال بسیار قابل توجه است و از این جهت است که عده‌ای هنر را جهش تخیل هنرمند می‌دانند.

بطور کای تخیل، نیرو یا فرایند به کار بردن همه استعدادهای ذهنی است که خیال (عناصر اصلی شعر) از آن به وجود می‌آید. با وجود اینکه تخیل، نیروی شکل دهنده و تنظیم کننده‌ای است که مایه آفرینش هنری می‌باشد. اما این آفرینش شکل جدیدی از واقعیت است. تخیل با نیروی خود از زندگی، حقیقت و طبیعت صورت تازه‌ای به وجود می‌آورد که هنر نامیده می‌شود^۳.

در لغت نامه دهخدا قوه مخیله چنین معنا شده است: ((نام قوتی است که آنرا خیال نیز گویند، قوتی است برای تخیل و تصور اشیاء که آنرا آئینه عقل می‌گویند^۴)).

کار خیال آن است که آرزوهای نیافته را تجسم بدهد، در واقع با ترکیب محسوسات و مدرکات صورت تازه‌ای به وجود می‌آورد. شاید هنرمند مایه هنر را از طبیعت و زندگی بگیرد (مشاهده و تجربه اساس کار او باشد) اما به تحریک حس زیبا پرستی و نیروی خیال در محسوسات و مدرکات خود تصرف می‌کند^۵.

یکی از جلوه‌های هنر، زبان ادبی و شعر است. زبان ادبی، زبانی است پرورده شده که سرشت زیبا شناختی یافته و هنرمند در رسیدن به آرمان‌های هنری خویش و آفرینش زیبایی از آن سود جسته است^۶. در قلمرو شعر توجه اصلی به تجربه است، زیبایی و حقیقت فلسفی جنبه‌هایی از تجربه اند که شعر با آن سروکار دارد. هر تجربه‌ای حتی تجربه دردناک وقتی از طریق هنر منتقل می‌شود برای مخاطب، زیبا و لذت بخش است.

دکتر پوران شجیعی در چگونگی پیدایش شعر چنین بیان می‌کند: ((شاعر به یکی از جلوه‌های حیات یا جهان طبیعت مجذوب می‌شود و روح و احساس و ذهن وی مسخر آن جلوه می‌گردد. تا آنجا که جز آن

چیزی در ذهن باقی نمی ماند و در آن حال شاعر ناخود آگاه بدان جلوه رنگ خاصی می بخشد و آنرا در عالمی دور از جریان زندگی قرار می دهد. این هیجان و انقلاب درونی محرک ذوق وی شده، و باعث می شود که این کیفیت نفسانی را در هر قالبی که هست بریزد، قالبی که نمودار واقعی هیجان و مبین حال و کیفیت درونی می باشد و از اینجاست که شاعر به دنبال کلمه و لفظ می رود و ادبیات چیزی جز ابلاغ و انتقال این نمودهای نفسانی نیست. بدین ترتیب لفظ موجد تحقیق ادبی می گردد.^۷

دکتر شفیعی کدکنی چنین معتقد است: ((هر گوشه از زندگی انسان با گوشه ای از طبیعت هزاران هزار پیوند دارد که ذهن شاعر گاه در برابر آنها بیدار می شود و حاصل این بیداری را در قالب شعر به ما نشان می دهد. شعر زاده کوشش شاعر است برای نمایش درک او از نسبت های میان انسان و جلوه های حیات^۸.)) این تعریف ها نحوه شکل گیری و تشکل شعر را بیان می کنند و اگر بخواهیم با توجه به ماهیت جوهر و هدف شعر، شعر را تعریف کنیم، تعریف های زیادی شده است. از جمله ویلیام وردزورث معتقد است: ((شعر سیلان خود به خود احساسات و بیان خیال انگیز آن است که بیشتر صورت آهنگین دارد.^۹))

بهترین تعریفی که تاکنون من از شعر دیده ام تعریفی است که آقای شفیعی کدکنی از شعر کرده اند: ((اگر شعر را گره خوردگی عاطفه و تخیل که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد تعریف کنیم عناصر سازنده آن عبارت خواهد بود از: عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و تشکل^{۱۰}))

در ادبیات معاصر آنچه که به عنوان تصور و خیال مطرح است معادل لغت ایماژ فرانسوی است که معنای نشان دادن شخص، حیوان یا شیء است به شکل مجسمه، طرح، نقاشی یا به هر صورتی که بوسیله حس قابل درک باشد.

در نقد ادبی، تصویر خیال چنین معنا می شود: ((اثر ذهنی یا شباهت قابل رؤیتی که به وسیله کلمات، عبارت یا جمله نویسنده و شاعر ساخته می شود تا تجربه حسی او به ذهن خواننده یا شنونده منتقل می شود. در واقع ایماژ تصویری است که شاعر آنرا به وسیله کلمات می سازد. هر تصویر خیالی حاصل عاطفه، تجربه ذهنی شاعر یا نویسنده و وسیله ای برای انتقال این تجربه به دیگران است و هدف از بکار بردن تصویر خیال تشدید احساس و انتقال آن از گوینده به شنونده یا خواننده است.^{۱۱}))

در مجموع تصویر خیال مفهومی وسیع تر از صور خیال را در بر می گیرد. دکتر شفیعی کدکنی خیال را مجموعه تصرفات بیانی و مجازی که در شعر به کار برده می شود دانسته است و تصویر را با مفهومی وسیع تر که شامل هر گونه بیان برجسته و مشخص باشد می داند.^{۱۲}

در مجموع می توان گفت حاصل کار قوای مخیله و تخیل در انسان تصویر خیال است. تصویر خیال در شعر و ادبیات به شکل های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در قالب شعر تجلی می یابد. اما ادبای متأخر عقیده دارند که عناصری همچون سمبل، نماد، اسطوره، کهن الگو (آرکی تایپ) و تمثیل نیز در به تصویر کشیدن قوه خیال مؤثرند.

مختصری از شرح حال عنصری

ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بزرگ ترین استاد قصیده پرداز و مدح سرای قرن پنجم زبان پارسی است. از آغاز حیات وی اطلاع روشنی در دست نیست جز آنکه می دانیم از خاندان متمکن برخاسته و در عین تنعم به شعر و ادب روی کرده و در این فن شاگردی ابوالفرج سگزی شاعر اواخر قرن چهارم و مداح سیجوریان را اختیار نموده است.

زمان بلوغ عنصری در شعر مصادف بود با آغاز شهرت و قدرت محمود غزنوی و حکومت برادرش نصر بن ناصرالدین سبکتکین در خراسان و به وسیله همین نصر بن ناصرالدین بود که عنصری به دربار سلطان محمود معرفی شد و در خدمت سلطان غزنه تقرب یافت و به سبب سابقه خدمت و نیز از آنجا که معرف او برادر سلطان بود، بر شاعران دیگر تقدم حاصل کرد و در نزد سلطان تقرب یافت و در شمار ندمای او درآمد و از صلوات فراوان محمود ثروت وافر به چنگ آورد چنانکه در مال و ثروت در میان شاعران بعد از خود مشهور بود.

خاقانی در مورد او گفته است:

بلی شاعری بود صاحبقران	زممدوح صاحبقران عنصری
ز معشوق نیکو و ممدوح نیک	غزل گو شد و مدح خوان عنصری
بدور کرم بخششی نیک دید	ز محمود کشورستان عنصری
به ده بیت صد بدره و برده یافت	ز یک فتح هندوستان عنصری
شنیدم که از نقره زد دیکدان	ز زر ساخت آلات خوان عنصری

عنصری در غالب سفرهای جنگی محمود با او همراه بود و ممدوح اصلی او همین پادشاه است و پس از او در خدمت پسرش مسعود نیز همان تقرب و مقام را حفظ کرد و او را مدح گفت و علاوه بر این دو پادشاه نصر بن ناصرالدین سبکتکین را نیز در قصاید غرای خود ستود. وفات او را در سال ۴۳۱ نوشته اند. عنصری در مدح میانه روی را کمتر از دست می دهد و شهادت و علو همت خود را محفوظ می دارد و یا آنکه قصاید خود را به مدح اختصاص داده در آن ها گاه به بیان مضامین اخلاقی نیز توجه نموده است. وقار و متانت شاعر حتی در تغزل ها و غزل های او آشکار است.

دماغ او از دو شاعر بزرگ عرب ابوتمام حبیب بن اوس طائی (متوفی در ۳۳۱ یا ۳۳۲) و ابوالطیب احمد بن حسین متبنی (متوفی در ۳۵۴) متأثر است و به طرز خیال و سبک ایشان پرورش یافته و طریقه این دو را در فارس نشان می دهد بلکه گاهی اشعارشان را نیز ترجمه می کند:

کسی که زنده بماندست از آن	اگر چه تنش درستست هست چون بیمار
به مغزش اندر تیغ ست اگر بود خفته	به چشمش اندر تیرست اگر بود بیدار

اگر بجنبد بند قبای او از باد
 اگر نماز کند آه باشدش تکبیر
 و گر سؤال کند گوید: ای سوار مزین
 گمان برد که همی خورد بر جگر مسمار
 و گر گنه کند آوخ بودش استغفار
 و گر جواب دهد گوید: ای ملک زنه‌ار
 که از این قطعه ابی تمام با تعریف مناسبی ترجمه شده است:

فان با شرالاصحار فالبيض والقنا
 وان یبن حیطانا علیه فانما
 و الا فاعلمه بانک ساخط
 قراه و احواض المنایا مناھله
 اولئک عقالانہ لا معاقله
 علیه فان الخوف لاشک قائله
 و همچنین این بیت:

تو ای شاه از جنس مردمانی
 که ترجمه بیت معروف متنبی است:
 فان تفق الانام و انت منهم
 و این بیت:

گر به رزم اندر بود لشکر پناه خسروان
 که ترجمه صریح این بیت متنبی است:
 بالجیش تمتنع السادات کلهم
 و مانند این بیت:

به تیغ شاه نگر نامه گذشته مخوان
 که ترجمه این بیت ابو تمام است:
 السیف اصدق انباء من الکتب
 چونکه روز رزم باشد تو پناه لشکری
 والجیش باین ابی الهیجاء تمتنع
 که راستگوی تو را ز نامه تیغ او بسیار
 فی حده الحد بین الجد و اللعب.))

سبک شعر عنصری

عنصری شاعری تواناست. وی بر اثر احاطه بر ادب عرب گاه مضامین خود را از شاعران بزرگ تازی گوی پیش از خود اقتباس کرده است. لیکن چنان رنگ تازه و هیأت جدید بدان بخشیده که صورت نخستین در آن دیده نمی شود. «کوشش عنصری این است که تصاویر پر احساس و تجربی دیگران را بگیرد و با تصرف عقلانی آن را به صورتی تازه جلوه کند. او در حقیقت از صفت به جای طبع، کمک می گیرد. که در چنین مواردی فقط نفس موضوع است که فلسفی است» ۱۴.

«شعرای آن دوران اغلب از فلسفه با خبر بودند. عنصری معلومات نجومی و فلسفی خود را فراوان در شعر آمیخته، به نظر می رسد معنای شعر او و دید شعر او فلسفی نیست بلکه عنصری فقط افکارش را به طریق استدلال با کلمات فلسفی بیان کرده است بر اثر تسلط عنصری بر علوم عقلی مقداری از افکار و اصلاحات علمی در اشعار او راه یافته است. منتهی گاهی این استفاده از افکار و اصلاحات علمی از طریق آمیزش با تخیلات شاعرانه صورت گرفته و گاه تنها به آوردن آنها بدون تعریف و استفاده از آن اصطلاحات برای بیان مقاصد شعری اکتفا شده است مانند:

گرچه سامان جهان اندر خرد باشد خرد تا از سامان نگیرد سخت بی سامان بود (بیت ۳۴۶)
تا به اصل اندر روان را با خرد خویشی بود تا به طبع اندر زمستان ضد تابستان بود (بیت ۳۵۴)
همیشه بودی تأثیر آسمان به زمین ز فضل اوست کنون اندر آسمان تأثیر (بیت ۸۲۳)

بر روی هم عنصری ناظمی است استاد که صنایع بدیعی و زمینه فکری و عقل را جانشین تصاویر حسی و مستقیم کرده و از این نظر پیشوای همه کسانی است که در این راه گام نهاده اند و مرد هوشیار و حسابگری مانند او، در عصری که منوچهری با آن تخیل وسیع و قدرت عجیب در ساختن تصاویر زندگی می کرد. جز این چه کار می توانسته انجام دهد. آیا این ضعف نیروی شاعری خود را جز از راه صفت و اندیشه از چه راهی می توانسته پوشیده نگاه دارد. همه کسانی که او را ستوده اند نظرشان متوجه همین استادی او در نظم و غلبه جنبه تعقل و استدلال در شعر اوست و از نظر ناقد امروزی که شعر را در حوزه زندگی و تجربیات حسی، در هر روزگاری می نگرد، عنصری به هیچ روی شاعر به حساب نخواهد آمد. ولی از حق نباید گذشت که گاه قدرت نظم او در بعضی موارد، توانسته نوعی حالت شگفتی در خواننده ایجاد کند از قبیل قصیده:

چیست آن آبی چو آتش و آهنی چون پرنیان بی روان تن پیکری پاکیزه چون بی تن روان
که در توصیف شمشیر سروده و تصاویر آن بیش و کم از نوعی تازگی نیز برخوردار است. ولی باز هم نظم و استادی گوینده است که جلب توجه می کند نه تازگی تصاویر.

یکی از چهره‌های معروف ادبیات فارسی که بی گمان در انحطاط شعر فارسی سهم بزرگی دارد عنصری است. او سرآغاز فصلی است که صنعت و تأمل و ذهن منطقی، جای احساس و تجربه حسی را در شعر فارسی می‌گیرد و در دنبال راه و رسم اوست که شاعرانی از قبیل امیر معزی تمام کوشش خود را صرف این راه می‌کنند و شهرت بیش از حد عنصری به استادی است که اندک اندک در طول تاریخ تصور اهل ادب را نسبت به شعر دگرگون می‌کند و همه جا سر مشق شاعری راه رسم او معرفی می‌شود. عنصری بی گمان یکی از ضعیف‌ترین گویندگانی است که به علت نداشتن دید شعری و تجربه حسی، کوشیده است اندیشه و تأمل خود را در جهتی به فعالیت وا دارد که پوششی به شمار می‌رود برای آن ضعف تخیل و عدم استطاعت خلق در تصاویر شعری و تا حدی نیز در این کار موفق شده است و پس از او، راه و رسمش را استعدادهای مانند او ادامه داده‌اند. او به جای اینکه از حس و تجربه حسی نیروی تخیل یاری طلبد از عقل و ذهن و منطق کمک می‌گیرد و پیدا است که دور شدن از حس و نزدیک شدن به منطق شعر را از شعر بودن به نظم و صنعت و فن می‌کشد و هر خواننده‌ای دیوان او را بگشاید در نخستین دیدار به این نتیجه خواهد رسید^{۱۶}.

و نیز از همین نظر که استدلال و تعقل و منطقی اندیشی بر اسلوب بیان او حاکم است در شعر وی زمینه عاطفی و غنایی بسیار ضعیف است، نه همدلی با طبیعت در شعر او دیده می‌شود و نه احساس‌های عاشقانه وجود دارد. مجموعه خیالهای او از تصاویر پیش پا افتاده شعر دوره قبل است و با توجه به اینکه دوره شهرت او دوره‌ای است که هنر شاعری در صنعت خلاصه می‌شود و پیشوایان نقد و شناخت شعر اشخاصی هستند از قبیل رشید و طواط، هیچ جای شگفتی نیست اگر در کتابهای ادبی شواهدی از دیوان عنصری آورده شود و بی گمان همین ذهن منطقی و حسابگو او بوده است که وی را امیرالشعراى روزگار کرده است، و شاعرانی مانند منوچهری ناگزیر بوده‌اند او را ستایش کنند زیرا در غیر این صورت این امیر شعر، مجال خواندن مدیحه‌ای هم به ایشان نمی‌داده است^{۱۷}.

به هر صورت شعر عنصری اگر همه جهت‌های فصاحت و بلاغت را داراست چون هرگز دل ما را نلرزاند و شوری در خاطر ما نیانگیخته است و از جمله ذوق و حال عریان است به هیچ روی نمی‌تواند در شمار شعر به معنای واقعی قلمداد گردد. زیرا شعر گفتن نوعی نیکویی و خیر محض است و فرمان این رسالت، به عنصری نداده‌اند. به همین دلیل است که شعر او نه هرگز غمی از دل می‌برد و وجد و حالی ایجاد می‌کند و نه شوق و شوری می‌انگیزد. زیرا انگیخته احساس درونی و زاییده ذوق و حال نیست، سخنان مبالغه آمیز و تملق آگینی است که فقط برای خوشامد سلطان ترک نژاد ساخته است.

در مدیحه سرایی هر چه بگویند بی نظیر است. در جزالت لفظ و رشافت سبک هر چه بخواهند مشخص است. در نشان دادن کلمه به جای خود و متناسب ساختن آن با کلمه‌های پیشین و پسین چیره دست است. کلمه‌های او همه از روی حساب و به تناسب مقام آورده شده است^{۱۸}.

عنصری تنها به مدح نمی پردازد بلکه به وصف طبیعت نیز توجه کرده است و نسبت به دیگر شعرا ، قصاید خود را با وصف بهار و پاییز آغاز می کند . این شاعر بیش از دیگر شاعران این دوره وصف ممدوح را با مناظر طبیعت در آمیخته است از خصایص وصف طبیعت در شعر عنصری کثرت تحلیل و تقسیم است . سبب را در شطر نخست و مسبب را در شطر دوم قرار می دهد :

و گر زره نبود باد بر هوای لطیف چنین که برد زره پاره‌ها صغیر و کبیر
و گر زو شود آهن به آب و طبع اینست چرا برآید جوشن همی به روی غدیر

و سپس با تشبیه ممدوح به مناظر طبیعت ، حسن تخلص می کند و در پایان در حالی که ممدوح خود را به خوبی به بخشش و حمله تحریک کرده قصیده را به پایان می برد .

عنصری در میان صنعتها به صنعت سؤال و جواب ، جمع و تقسیم ، تفسیر و تبیین و گاهی التفات و ارسال المثل و نوعی استدلال و تعجب و تجاهل عارفانه از زمینه سازی قبلی خود رغبت دارد .

در تغزل های عنصری گذشته از وصف طبیعت و وصف شمشیر و اسب و توصیف جشن ها بیشتر به وصف معشوق بر می خوریم و عنصری از میان اعضای موصوف بیش از همه به حد افراط به توصیف زلف تمایل دارد و انصاف را که وصف های دلکشی از او در این مورد به جا مانده است . شوق عنصری به صفت کردن گیسوی شکسته معشوق به حدی است که نه تنها تغزل های عاشقانه خود را به رنگ و بوی و پیچ و تاب آن زیور داده است بلکه در غزل و قطعه و رباعی او نیز موج و شکن زلفین دلبنده به چشم می خورد^{۱۹} .

اشعار بزمی در شعر عنصری بیشتر در لباس رزمی جلوه گر شده است حتی تشبیهات او در اشعار غنایی و مظاهر طبیعت منشأ جنگی دارد و در حقیقت دور نمای جمال عبارت است از دور نمای میدان جنگ : زلفین کمند است ابرو خنجر ، مژه تیر و چشم قاتل و امثال آنها .

تأثیرات شعرای سلف در عنصری

شعر فارسی پیش از عنصری از نظر کمیت چندان زیاد نیست ولی از نظر کیفیت محکم و استوار بوده است چنانکه برای مقام بلند شاعری از بر کردن اشعار دیگران و نکته یابی و برگرفتن از هر دانشی برای شعرا لازم بود . عنصری نیز به خوشه چینی خرمن پیشینیان پرداخت . اسلوب قصیده سرایی استادان سلف را دنبال کرد . با آمیختن صنایع بدیع به مضامین و خیالهای پیشینیان هنر خود را نشان داد و طرز جدیدی که همان گفتن قصاید تمام مصنوع است را به خود اختصاص داد . در این بخش به ذکر چند نمونه از تأثیر پذیری عنصری از شعرای سلف پرداخته می شود .

در اولین دوره شعر فارسی بسام کورد در وصف یعقوب بن لیث صفاری گفته بود :

مکه حرم کرد عرب را خدای عهد تو را کرد حرم در عجم

در شعر عنصری در وصف سلطان محمود می خوانیم :

از آن که بد به حجاز آن و این به ایران شهر حجاز دین را قبله است و ملک را ایران

دیوان عنصری صفحه ۲۰

از متقدمین ، رودکی اولین شاعری است که به شعر فارسی ضبط و قاعده معینی داد و سر مشق شعرای بعد از خود گردیده است .

عنصری به شعر رودکی رغبت داشت . در قصیده‌ای به مطلع :

آیا شنیده هنرهای خسروان به خبر بیا ز خسرو مشرق عیان ببین تو هنر

دیوان عنصری صفحه ۱۱۳

از رودکی نام برده است :

چهل هزار درم رودکی ز مهتر خویش بیافته است به توزیع از این در و آن در

دیوان عنصری صفحه ۱۱۴

و در مدح رودکی گفته است :

غزل رودکی وار نیکو بود غزل های من رودکی وار نیست

اگر چه بکوشم به باریک وهم بدین پرده انداز مرا بار نیست

عنصری در شعر زیر :

اگر چه تنها باشد همه جهان با اوست و گر چه با او باشد همه جهان تنهاست

از شعر رودکی :

با صد هزار مردم تنهایی بی صد هزار مردم تنهایی

الهام پذیرفته است .

رودکی زنخدان را به سیب مانند کرده بوده است :

و آن زنخدان به سیب مانده راست اگر از مشک خال دارد سیب

شعر عنصری یاد آور این تشبیه است :

سیب و گل و سیم دارد آن دلبر من سبیش زرخ و گل دورخ و سیمین تن

دیوان عنصری صفحه ۲۹۵

شعرهای دقیقی که از فحول شعرای عهد سامانی بود نیز زیر نظر عنصری بود . تشبیه زلف به عقرب

در دوره دقیقی رایج بود . و منشأ آن شعر عرب ، دقیقی گفته بود :

زخم عقرب نیستی بر جان من گر ورا زلف معقرب نیستی

و در شعر منطقی رازی (۳۶۷ - ۳۸۰) هم بکار رفته :

شنیدم که در خلد کژدم نباشد چرا با رخ توست دائم مجاور

مگر کژدم عنبر نیست شاید کجا کژدم خلد باشد معنبر

و عنصری یا از گویندگان عرب زبان نثر پذیرفته و یا از شعرای نامبرده شده تشبیه عقرب و زلف را
اخذ کرده به شکل‌های مختلف در تغزل قصیده های خود مکرر کرده است و از آن جمله در قصیده ای به مطلع
:

گه آن آراسته زلفش گره گردد گهی چنبر گه آن پیراسته جعدش ببارد مشک و گه عنبر

دیوان عنصری صفحه ۱۰۰

می گوید :

شکفته لاله رخساره حجاب لاله جراره بر از عاج و دل از خار، تن از شیر و لب از شکر
و در گفتن شعر زیر :

گفتم که رایگان نگرفتست مملکت ظاهراً شعر دقیقی را در نظر داشته است :

خرد باید آنجا وجود و شجاعت فلک مملکت کی دهد رایگانی

دیوان دقیقی صفحه ۱۴۴

عنصری به مضامین غنایی منجیک ترمذی از شاعران نیمه دوم قرن چهارم ، مداح چغانیان ، نیز توجه
داشت .

منجیک گفته بود :

ار انگبین لبی ، سخن تلخ مر است؟! و یاسمین بری ، تو به دل چون که آهنی؟!
و در شعر عنصری می خوانیم :

سنگ و سیم ار نه جانور باشند چون تو سنگین دلی و سیمین بر ؟
و بر همین قیاس است شعر دیگر عنصری :

گنجی است عاشقان را صبر ار نگه کنی کو روی زرد سرخ کند ، پشت گوژ راست

دیوان عنصری صفحه ۳۰۳

که از مضمون منجیک حکایت می کند :

ما را جگر به تیر فراق نوشته گشت ای صبر بر فراق بتان نیک جوشنی

مقام و نفوذ عنصری در شعرایی که بعد از وی آمده اند

عنصری در زندگی خود از شاعران هم ردیف ممتاز بود و گویندگانی که بعد از وی آمده اند همه مقام
او را ارجمند دانسته و به استادی و پیشوایی وی توجه داشته اند . برخی از آنها در ستایش وی مبالغه ها کرده اند
و پیروی از وی مایه افتخار آن ها گردیده است . ولی برای علو مقام در شاعری محسود بعضی ها نیز قرار

گرفته از آن جمله شاعر بزرگ، خاقانی که به عنصری روی خوش نشان نمی دهد و در یک قطعه برای مردمی که عنصری را به وی ترجیح داده بودند، می گوید:

به تعریض گفتمی که خاقانیا
چه خوش داشت نظم روان عنصری
بلی شاعری بود صاحب قبول
ز ممدوح صاحبقران عنصری

شعر عنصری به صورت های زیر در شعر گویندگان بعد از خود مورد توجه قرار گرفته است:

۱- استقبال ، ۲- مجابات ، ۳- تضمین ، ۴- اخذ مضامین و اسلوب .

شواهد فراوانی از تأثیر عنصری در گویندگان خلف را می توان نشان داد ولی در اینجا کوشش می شود که به اختصار چند نمونه از گویندگان بزرگ و استادان بلند مرتبه را برای روشن شدن این معنی بیاوریم:

۱- قطران تبریزی :

وی در شاعری درجه استادی دارد و از عنصری پیروی کرده است . به گفته استاد فروزانفر سبک او بیشتر به سبک فرخی و عنصری تمایل دارد و معانی و افکار این دو استاد در شعر وی بسیار است و از این رو شاید بتوان اطلاع او را از اشعار آنان که قسمت عمده اشعارش را به تقلید روشن و در جواب قصایدشان سروده است ثابت کرد مانند این بیت :

چون شب هجران خوبان روز بفزاید همی
شب چو روز وصل بت رویان همی نقصان کند
دیوان قطران صفحه ۲۹۹

که معنی آن از این شعر عنصری اخذ شده است :

روز هر روزی بیفزاید چو قدر شهریار
شب چو عمر دشمنان او همی کمتر شود
دیوان عنصری صفحه ۱۰۸

و شعر زیر قطران :

آن ماه مهر ورزد چندانکه گوش ارزد
چون زلف او بلرزد عنبر بباشد ارزان
دیوان قطران صفحه ۵۴۴

به شعر عنصری شباهت دارد :

بشکنی بر خویشان تا نرخ عنبر بشکنی
خویشان لرزان کنی تا نرخ مشک ارزان کنی
دیوان عنصری صفحه ۲۶۵

چند قصیده دیگر قطران نیز از عنصری استقبال شده است . مانند قصیده ای به مطلع :

تا به جان در عقل باشد به تا تن در جان بود
جان و تن را از لب جام و لب جانان بود
دیوان قطران صفحه ۱۵۰

که در طرح و مضمون آن از عنصری متأثر است :